

هویت مطلوب در بستر الگوی بومی پیشرفت (با رویکردی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)

* میثم بلباسی

E-mail: Belbasi.Meisam@yahoo.com

** شهرام اسفندیاری

E-mail: Shahram_Esfandiyari@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۱۷

چکیده

در باب الگوهای بدیل پیشرفت کنکاش های علمی بسیاری صورت گرفته است، اما یکی از حوزه های مغفول، حوزه ارتباط وثیق هویت با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت می باشد. از این رو، بیان الگویی از هویت متناسب با روح جامعه ایرانی که زمینه ساز شکل گیری هویتی واحد، انسجام ملی و نهایتاً پیشرفت می شود، امری ضروری است. با این تفاسیر، سؤال اصلی مقاله این است که الگوی هویتی متناسب با الگوی بومی پیشرفت در قانون اساسی ج.ا.ایران دارای چه ابعاد و شاخص هایی است؟ دستاوردهای تحقیق نشان از این دارد که الگوی هویتی مطلوب در قانون اساسی، ترکیبی از سه بُعد هویت اسلامی (با مؤلفه هایی چون ضوابط و اصول اسلامی یعنی قرآن و سنت، توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین مردم توسط دولت، دین اسلام و مذهب شیعه، توجه به امت اسلامی، اعتقاد به ولایت فقیه) هویت ایرانی (با مؤلفه هایی چون آمیختگی اسلام و ایران، زبان مشترک، خط مشترک، پذیرش فرهنگ های محلی، پرچم کشور، معتبر شناختن تاریخ هجری شمسی، توجه به میراث فرهنگی و نفایس ملی ایران به عنوان دارایی های معنوی ملت، سرزمین مشترک) و هویت مدرن (با مؤلفه هایی چون استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری، تربیت افراد ماهر برای رسیدن به توسعه و پیشرفت، تقویت روح بررسی، تتبع و ابتکار) می باشد که می تواند مسیر پیشرفت و تعالی مطلوب را در بستر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت سرعت بخشد. برای پاسخ به سؤال مقاله از روش تحلیل محتوا بهره گرفته می شود.

کلید واژه ها: الگوی بومی پیشرفت، هویت اسلامی، هویت ایرانی، هویت مدرن، قانون اساسی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران، نویسنده مسئول

** کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران

مقدمه و طرح مسأله

بی‌تردید یکی از مسائل اساسی جوامع بشری در جهان جدید، توسعه و پیشرفت است؛ موضوعی که به تدریج در قرن بیستم و به‌ویژه در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی به دغدغه مشترک اکثر کشورهای توسعه‌نیافته درآمد. برای پاسخگویی به این دغدغه مهم، الگوهای مختلف توسعه شکل گرفت. امروزه ادبیات توسعه، دربرگیرنده همین الگوها، نظریه‌ها و اهدافی است که در پی توضیح چگونگی پیشرفت کشورها است. در عین حال باید تأکید کرد که هر جامعه‌ای برای رسیدن به جایگاه مناسب و کسب پیشرفت باید الگویی متناسب با شرایط و ویژگی‌ها، استعدادها، امکانات و الزامات بومی خود در عرصه‌های گوناگون طراحی و انتخاب نماید. به عبارت دیگر نمی‌توان برای وصول به هدف توسعه ملی و تاریخی، صرفاً مدلی یک‌بُعدی را مدنظر قرار داد زیرا چنین توسعه‌ای نامتوازن و ناهمگون خواهد بود. طرح بحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت توسط مقام معظم رهبری، بیان‌کننده این مهم است که برای جامعه ایران که به دنبال تمدن‌سازی نوین اسلامی و ایرانی است، پیشرفت باید دارای ابعاد گوناگون و مطابق با نیازها و شرایط بومی باشد. از این‌رو در جهت ساخت‌مند نمودن این مهم، الگویی کامل و همه‌جانبه ضروری است؛ الگویی که بر انگاره‌ها و اهداف جامعه ایرانی شکل گیرد. بدیهی است طراحی چنین الگویی مستلزم در نظر گرفتن الزامات خاصی است (درخشه، ۱۳۹۲: ۱). برای این که الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در جامعه تحقق یابد، باید بعضی شرایط مهیا شود و الزامات نهادی، فرهنگی و هویتی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، معنوی و رفتاری ویژه‌ای برپا گردد. یکی از الزامات مهم این الگو، ابعاد فرهنگی و هویتی آن است که مغفول واقع شده است. یعنی این که جامعه برای رسیدن به پیشرفت، نیازمند یک الگوی هویتی متناسب با فرهنگ و شرایط و اقتضائات جامعه خود است تا بتواند با اتکاء بر هویت خود به سمت پیشرفت و توسعه گام بردارد و دچار ازخودبیگانگی و ازهم‌گسیختگی اجتماعی و نیز بحران هویت نشود. از این‌رو، بیان الگویی از هویت متناسب با روح جامعه ایرانی که زمینه‌ساز شکل‌گیری هویتی واحد، انسجام ملی و نهایتاً پیشرفت می‌شود، امری ضروری است. در اغلب موارد کشورهای در حال توسعه در مسیر حرکت به سمت توسعه، ناکام و با شکست مواجه می‌شوند. یکی از مهم‌ترین علل آن، این است که از یک الگو و مدل تجویزی غیربومی (مدل غربی توسعه) بهره می‌گرفتند که با ساختارها، نهادها و مبانی فرهنگی و هویتی کشورشان هیچ‌گونه تناسب و سازگاری نداشت و آنها را دچار بحران هویت می‌کرد.

پیشرفت در تمامی ابعاد آن نیازمند بسترهای فرهنگی مناسب می‌باشد. با این تفاسیر مقاله حاضر مترصد است که به بررسی جایگاه «هویت مطلوب» در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پردازد. یا به عبارتی دیگر، به این مهم پردازد که برای الگوی پیشرفت چه الزاماتی در سطح هویتی وجود دارد.

سؤال اصلی پژوهش

هویت مطلوب در بستر الگوی بومی پیشرفت، با رویکردی بر قانون اساسی ج.ا.ایران چگونه است؟ و دارای چه ابعاد و شاخص‌هایی است؟

فرضیه پژوهش

به نظر می‌رسد هویت مطلوب در بستر الگوی بومی پیشرفت، براساس قانون اساسی ج.ا.ایران به‌عنوان نقشه راه و یک سند بالادستی، ترکیبی از سه بُعد هویت اسلامی، ایرانی و مدرن با مؤلفه‌های مختلف است که در آن هویت اسلامی، مؤلفه اصلی و اساسی می‌باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر براساس هدف، کاربردی و توسعه‌ای و براساس ماهیت و روش، اسنادی - تحلیلی است. هم‌چنین برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از روش تحلیل محتوا بهره گرفته می‌شود.

تکنیک گردآوری اطلاعات و حوزه پژوهش

فنون و تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، با استفاده از روش ترکیبی می‌باشد؛ یعنی از منابع کتابخانه‌ای، اسناد و مدارک (قانون اساسی)، نشریات، مجلات و مقالات معتبر تخصصی استفاده می‌شود. در کنار این منابع از منابع اینترنتی و مجازی معتبر نیز استفاده می‌شود. حوزه پژوهش حاضر، به لحاظ مکانی شامل کشور ایران و به لحاظ زمانی دهه چهارم انقلاب اسلامی (دهه عدالت و پیشرفت)، و به لحاظ موضوعی بررسی ابعاد و شاخص‌های هویت مطلوب در بستر الگوی بومی پیشرفت، با رویکردی بر قانون اساسی ج.ا.ایران است.

مبحث نظری (رابطه فرهنگ و هویت با توسعه)

نخستین مفهومی که به همراه هویت و نیز در هویت‌شناسی به کمک ذهن می‌آید، مفهوم پُر رمز و راز فرهنگ است. در واقع، شناخت تعریف و فهم کارکرد هویت، در گرو شناخت ماهیت و کارکرد فرهنگ است. از نظر لغوی فرهنگ به معنای پروراندن و تعالی بخشیدن است (رفیع‌پور، ۱۳۸۵: ۲۹۵). توسعه را به مثابه درختی دانسته‌اند که ریشه آن را «فرهنگ» و غذای آن را «آموزش» و «سرمایه» تخصیص یافته به فعالیت‌های توسعه‌ای تشکیل می‌دهد (جعفرپور، ۱۳۹۰: ۴۳). توسعه، واژه‌ای پیچیده و چندبُعدی است که از نظر مفهومی با تغییرات و تحولات تاریخی فراوانی مواجه بوده است. گاهی به مدرن‌شدن و گاهی به غربی‌شدن تعریف شده است؛ بنابراین برخی فرآیند توسعه را نوعی «مهندسی اجتماعی» می‌نامند؛ اما با آشکار شدن آثار و پیامدهای ناخواسته چنین برداشتی از فرآیند توسعه و مهندسی اجتماعی، تغییر در مفهوم توسعه، متناسب با فرهنگ بومی ملت‌ها و با تأکید بر عناصر غنی و آموزنده‌های مساعد فرهنگ، ضرورتی انکارناپذیر بوده است. میردال توسعه را به مفهوم ارتقای نظام اجتماعی در کلیت آن تعریف می‌کند و معتقد است که رشد اقتصادی تنها یک جنبه خاص از این تحول همه‌جانبه اجتماعی را دربر می‌گیرد. بنابراین کشورهای توسعه‌نیافته برای توسعه خود نیازمند اصلاحات مؤثر، گسترده و همه‌جانبه‌ای هستند که باید به وسیله خود این کشورها و مبتنی بر شرایط خاص هر کدام صورت گیرد (موحدی، ۱۳۹۰: ۱۴). توسعه به‌عنوان یک مفهوم متعالی، دستاورد بشری و پدیده‌ای چندبُعدی است و فی‌نفسه یک مسلک به حساب می‌آید. توسعه به دلیل این که دستاورد انسان محسوب می‌گردد، در محتوا و نمود دارای مختصات فرهنگی است و بر تحول ارگانیک دلالت دارد. هدف از توسعه، ایجاد زندگی پُرثمره‌ای است که توسط فرهنگ تعریف می‌شود. بنابراین توسعه، دستیابی فزاینده انسان به ارزش‌های فرهنگی خود است (نظرپور، ۱۳۷۸: ۴۵). به‌طورکلی اهمیت فرهنگ را می‌توان در دو جنبه خلاصه کرد. نخست جایگاهی که فرهنگ در هویت و موجودیت جامعه دارد و دیگری نقشی که فرهنگ در پیشرفت جوامع ایفا می‌کند. در زمینه نقش فرهنگ در موجودیت جامعه باید گفت، حوزه نفوذ فرهنگ به همه ابعاد زندگی بشر کشیده شده است و همه ویژگی‌های غیرفیزیکی و متمایزکننده انسان‌ها از یکدیگر و نیز همه ویژگی‌های متفاوت جوامع در فرهنگ آنها نهفته است (عزتی، ۱۳۷۵: ۹). فقدان توسعه فرهنگی در فرآیند توسعه با وجود ظهور ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن، موجودیت توسعه را به چالش می‌کشاند. بی‌شک بالاترین و

والا ترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد (نوبخت، غلامی‌نتاج و میراحسنی، ۱۳۹۰: ۲۲۶). هویت به‌عنوان عامل کنترل‌کننده توسعه، تضمین‌کننده پایداری فرهنگی است و می‌تواند موجبات پیشرفت را فراهم کند (عیوضی و هراتی، ۱۳۸۹: ۱۱). شاید پُرننگی نقش فرهنگ و هویت از منظر رهبران نظام جمهوری اسلامی را باید در نوع نگاه متفاوت آنها به مقوله فرهنگ و هویت فرهنگی جستجو نمود. زیرا در این نگاه «اساس و ریشه فرهنگ عبارت است از عقیده و برداشت و تلقی هر انسان از واقعیات و حقایق عالم و نیز خُلقیات فردی و خُلقیات اجتماعی و ملی ... بنابراین به نظر ما مقوله فرهنگ از نظر تأثیرش در آینده یک مملکت و یک کشور، با هیچ چیز دیگری قابل مقایسه نیست» (نوبخت، غلامی‌نتاج و میراحسنی، ۱۳۹۰: ۲۲۶).

توسعه، حاصل فعالیت‌های عمدتاً بومی و همراه با آگاهی تک‌تک افراد از موقعیت و وضع توسعه است که بایستی اساس یک توسعه جامع قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های تحقق توسعه در هر جامعه، شرایط فرهنگی آن جامعه است. به‌طور کلی از دو نوع توسعه می‌توان نام برد؛ اول، توسعه براساس الگوی برون‌زا و دوم، توسعه با استفاده از الگوی درون‌زا است. منظور از الگوی توسعه برون‌زا، الگوهای توسعه‌ای است که از سوی جوامع دیگر برای جامعه‌ای ارائه می‌شود که این نوع از الگوی توسعه، متناسب با مقتضیات اجتماعی و فرهنگی کشورها ارائه شده است. مقصود از الگوی توسعه درون‌زا، الگویی است که متناسب با مقتضیات فرهنگی یک کشور بوده و طراحی آن در درون آن جامعه صورت گرفته باشد (عیوضی و هراتی، ۱۳۸۹: ۱۳). بحثی را که در این جا مطرح است می‌توان تحت عنوان «حفظ هویت فرهنگی» مطرح کرد. یعنی توسعه را به شرط حفظ عناصر فرهنگی و هویتی تجربه کنیم. اهمیت این موضوع بدین جهت است که شاکله اصلی تمام فعالیت‌های نظام یک کشور از ماهیت فرهنگی و هویتی آن رنگ می‌گیرد. به عبارتی دیگر حفظ یک نظام گرچه به ظاهر، بستگی به پویایی و استقلال فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی دارد، لیکن نحوه فعالیت در اقتصاد و یا سیاست‌گذاری در بخش‌های دیگر متأثر از فرهنگ و هویت آن نظام اجتماعی است. بنابراین اگر ارزش‌هایی که الگوی توسعه مدنظر دارد، با ارزش‌های متعالی حاکم بر جامعه همسو نباشد، جامعه همواره با تنش‌ها و بحران‌های خاصی مواجه می‌شود؛ زیرا اگر این الگوها و ارزش‌های حاکم بر آن، مورد پذیرش انسان که عامل توسعه است، قرار نگیرد، نمی‌تواند مشارکت عمومی مردم را که عنصری حساس در توسعه است،

جلب کند. از این رو فرجامی چون شکست نخواهد داشت. با اطمینان می‌توان گفت الگوی توسعه‌ای که هماهنگ با شرایط و مقتضیات هر کشور شکل می‌گیرد، مختص به همان کشور است و قابل انتقال به کشور دیگر نیست. یعنی یک الگوی رشد و توسعه اقتصادی ممکن است از هر جهت در یک اقتصاد پیشرفته صنعتی، صحیح و کارآمد باشد، اما همین الگو در یک جامعه توسعه‌نیافته که بیشتر مبتنی بر اقتصاد کشاورزی است، ناصحیح بوده و کاربردی نداشته باشد (عیوضی و هراتی، ۱۳۸۹: ۱۴).

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

۱- زمینه‌ها و بسترهای طرح الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

۱-۱- **عدم پیشرفت ایران براساس مدل‌های توسعه غربی:** کاربست غیرانتقادی الگوهای مسلط غربی در قالب سیاست‌های توسعه‌ای مانند گفتمان اراده تغییر اجتماعی (مشروطیت)، گفتمان نوسازی دولت‌محور (رضاشاه)، گفتمان توسعه اقتصادی - اجتماعی شبه‌غربی (محمدرضاشاه) و گفتمان برنامه‌های توسعه پنج‌ساله (بعد از انقلاب)، بدون توجه به شرایط و مقتضیات ایران، باعث ناکارآمدی این سیاست‌ها و در نتیجه توسعه‌نیافتگی ایران شده است. زیرا همه این سیاست‌ها (حتی بعد از انقلاب) ریشه در الگوهای مسلط غربی داشت (هزاوه‌ای، ۱۳۸۵: ۱۹۸).

۱-۲- **عدم تطابق و انقطاع بین سیاست‌ها در ایران:** یکی از جدی‌ترین معضلات کشور طی سال‌های گذشته، عدم تطابق و انقطاع بین سیاست‌ها، برنامه‌های پنج‌ساله، قوانین بودجه و برنامه‌های عملیاتی بوده است، لذا سند الگوی پیشرفت به‌عنوان سند بالادستی همه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و همچنین جهت ریل‌گذاری و جاده‌سازی حرکت آینده کشور طراحی و تدوین شده است (بی‌نام، ۱۳۹۱: ۲۰).

۱-۳- **تفاوت نگاه جامعه غربی و نگاه اسلام به انسان:** در نگاه غربی، انسان یک موجود مادی محض است و هدف او لذت‌جویی، کام‌جویی، بهره‌مندی از لذایذ زندگی دنیاست، که محور پیشرفت و توسعه در غرب است. اما در مقابل، انسان در الگو و نگاه اسلامی، موجودی است هم طبیعی (مادی) و هم الهی (معنوی)؛ دو بُعدی است. در جهان‌بینی اسلام، ثروت، قدرت و علم، وسیله‌اند برای تعالی انسان (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۲/۲۵).

۱-۴- **رواج فرهنگ‌های غربی هم‌نشین با مدل‌های توسعه غربی:** وقتی که الگوهای توسعه غربی و شاخص‌های آن را به ما تحویل می‌دهند، در لابه‌لای آن

چیزهایی است که دیگر آنها جزء شاخص‌های پیشرفت و توسعه نیست؛ چیزهایی را به میان می‌آورند، که این صادر کردن فرهنگ مخالف (مصرف‌گرایی، بی‌اخلاقی، لذت‌گرایی) با هویت و شخصیت ملی و میل برای وابسته کردن کشورهاست (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۸/۱۸).

۱-۵- تفاوت پیشرفت مورد نظر ما با توسعه غربی: از نظر اسلام پیشرفت فقط

مادی نیست و وسیله‌ای برای رشد و تعالی انسان است. عشق به معنویت و ارتباط با خدا، مهم‌ترین عاملی است که پیشرفت یک ملت را تضمین می‌کند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۸/۱۸). اما پیشرفت مورد نظر غرب، فقط پیشرفت مادی و فیزیکی است.

۱-۶- ناکامی برنامه‌های توسعه در غرب: الگوی پیشرفت غربی، یک الگوی

ناموفق است. درست است که به قدرت رسیده‌اند؛ به ثروت رسیده‌اند؛ اما بشریت را دچار فاجعه (اسارت، تحقیر، استعمار، جنگ) کردند. در داخل خود این کشورها هم اخلاق فاسد، دوری از معنویت، فحشا، فساد، سکس، ویرانی خانواده و این چیزها را رواج داده است؛ بنابراین موفق نیست (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۲/۲۵). از دیگر نتایج منفی الگوهای توسعه غربی، می‌توان به شکل‌گیری نظام‌های سیاسی مستبدانه (فاشیسم، نازیسم، کمونیسم)، فقدان عدالت و آرامش و ساخت بمب اتمی اشاره کرد. هم‌اکنون اکثر کشورهای غربی دچار مشکلات حاد اقتصادی و شکاف طبقاتی می‌باشند.

۱-۷- واحد نبودن الگوی پیشرفت برای همه کشورها: هر کشوری با توجه به

اقتضائات سیاسی، اقتصادی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، جغرافیایی و انسانی ... خود، می‌تواند در ایجاد مدل پیشرفت بومی گام بردارد. لذا ممکن است یک الگوی پیشرفت برای کشوری مناسب و برای کشوری دیگر نامناسب باشد.

۱-۸- حضور نداشتن نخبگان ایرانی و استفاده از آنان: اکثر نظریه‌پردازی‌های

توسعه در جهان، که به‌عنوان الگوی توسعه برای دیگر کشورها از جمله ایران تجویز شده است، توسط نظریه‌پردازان غربی همچون رستو، لرنر، آلموند، والرشتاین و هانتینگتون و... که به بدنه حاکمیت سیاسی غرب تعلق دارند، صورت گرفته است. درحالی که کشور ایران از ظرفیت بالایی در استعدادها برتر و نخبگان علمی حوزوی و دانشگاهی برخوردار است که می‌توانند در طراحی و تدوین الگوی بومی پیشرفت متناسب با شرایط جامعه ایران مشارکت داشته باشند.

شکل شماره ۱: نمای کلی پیشرفت اسلامی - ایرانی



(بی نام، ۱۳۹۰: www.khamenei.ir)

۲- مفهوم‌شناسی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

۱-۲ - مفهوم‌شناسی الگو در این ترکیب اصطلاحی: الگو عبارت است از یک مجموعه قواعد، دکترین، سرمشق‌ها، راهبردهای کلی، نمونه‌ها، مدل‌ها، رویه‌ها و تمام مواردی شبیه به این که پیش‌نیاز انجام فعالیت‌های جزئی و کلی و برای کارهایی بوده که قرار است با برنامه‌ریزی و در مسیر درست و بهینه حرکت کند و بخواهد به اهداف پیش‌بینی شده دست پیدا کند (سیف‌الدین، ۱۳۸۸: ۶). الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، الگویی شامل نظریه با کارکرد هنجاری است؛ یعنی ساختاری است که به توضیح نظریه اسلامی - ایرانی پیشرفت، که باید ایجاد شود، می‌پردازد. نظریه اسلامی - ایرانی پیشرفت به صورت و تجربه است و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت هر ساختاری است که به تفسیر این نظریه می‌پردازد، به گونه‌ای که همه جملات نظریه در آن صدق کند و صحیح باشد (میرمعزی، ۱۳۹۰: ۶۱).

۲-۲ - مفهوم‌شناسی اسلام در الگوی پیشرفت: واژه اسلامی در بدنه این ترکیب به این معنا است که مبانی نظری، فلسفی و انسان‌شناختی اسلامی بر این الگو تأثیرگذار است و اسلام و آموزه‌های آن یکی از ارکان اصلی آن محسوب می‌شود (علی احمدی، ۱۳۹۰: ۱۲). مقام معظم رهبری در باب اسلامی بودن الگو می‌فرماید: «این الگو مبتنی بر مبانی نظری و فلسفی اسلام و مبانی انسان‌شناختی اسلام است. به عبارت دیگر غایات،

اهداف، ارزش‌ها و شیوه‌های کار همه از اسلام مایه خواهد گرفت. یعنی تکیه ما به مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی است. ما یک جامعه اسلامی هستیم، یک حکومت اسلامی هستیم و افتخار ما به این است که می‌توانیم از منبع اسلام استفاده کنیم ... بنابراین اسلامی همه به این معنا است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۹/۱۰).

۲-۳- مفهوم‌شناسی ایرانی در الگوی پیشرفت: ایران به‌عنوان یک کشور دارای سرزمینی پهناور، با تاریخی کهن و مردمی با ضریب هوشی بالاتر از میانگین جهانی، از نظر جغرافیایی دارای آب و هوایی متنوع و با دو دریای شمال و جنوب، برخوردار از ذخایر عظیم گاز و نفت، از نظر انسانی دارای زبان مستقل، با سابقه طولانی در تأثیرگذاری بر فرهنگ و زبان منطقه‌ای وسیع از خاورمیانه و شبه‌قاره هند است. طراحان این الگو باید این ویژگی‌ها را در الگو مدنظر قرار دهند، از این‌رو الگو بومی می‌شود. به‌علاوه طراحان این الگو، نخبگان و متفکران ایرانی هستند (صنم‌زاده، ۱۳۹۲: ۴). مقام معظم رهبری در خصوص ویژگی ایرانی بودن الگو می‌فرماید: «شرایط تاریخی، شرایط زمانی و مکانی، شرایط جغرافیایی، شرایط انسانی و فرهنگی، شرایط اقلیمی و طبیعی، شرایط جغرافیایی سیاسی در تشکیل این الگو تأثیر می‌گذارد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۹/۱۰).

۲-۴- مفهوم‌شناسی پیشرفت در این ترکیب اصطلاحی: پیشرفت عبارت است از فرایند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب، تبیین وضعیت مطلوب، راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب. الگوهای پیشرفت دست‌کم در یکی از این سه با یکدیگر اختلاف دارند و یکی از دلایل اصلی اختلاف نیز، جهان‌بینی حاکم بر این الگوها است، چیزی که از آن با عنوان «متاپارادایم الگوهای توسعه» یاد می‌شود (قربی، ۱۳۹۲: ۴). مقام معظم رهبری در تفاوت واژه پیشرفت با توسعه غربی می‌فرماید: «نکته اول این است که ما وقتی می‌گوئیم پیشرفت، نباید توسعه غربی به مفهوم رایج غربی تداعی بشود. امروز توسعه در اصطلاحات سیاسی و جهانی و بین‌المللی حرف رایجی است. ممکن است پیشرفتی که ما می‌گوئیم با آنچه که امروز از مفهوم توسعه در دنیا فهمیده می‌شود، وجوه مشترکی داشته باشد اما در نظام واژگانی ما، پیشرفت معنای خاص خودش را دارد، که با توسعه در نظام واژگانی امروز غرب نایستی اشتباه شود. آنچه ما دنبالش هستیم، لزوماً توسعه غربی با همان مختصات و با همان شاخص‌ها نیست» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۲/۲۷). بنابراین، پیشرفت به اعتقاد ما عبارت است از: «حرکت رو به جلو و رو به کمال انسان، که مشتمل بر تمام ابعاد وجودی انسان، به طور متوازن و متناسب باشد» (شبان‌نیا، ۱۳۸۹: ۸).

۳- اصول و عناصر پیشرفت از منظر قانون اساسی ج.ا.ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۷۷ اصل دارد که در چهارده فصل تنظیم شده است. اصول مختلفی از این قانون به آرمان‌ها و اهداف کلان جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. جامعه آرمانی مورد نظر در قانون اساسی ج.ا.ایران جامعه‌ای است که در آن بر پایه اصول اساسی اسلام، کرامت و آزادگی انسان حفظ و شرایط رشد او در حرکت به سوی نظام الهی فراهم آمده است. در قانون اساسی عدالت اجتماعی بر رشد اقتصادی تقدم دارد. در این قانون رفع فقر و محرومیت و تأمین نیازهای انسانی مورد تأکید قرار گرفته است. جامعه آرمانی مورد نظر قانون اساسی به حاکمیت ملی و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی تأکید دارد. در بخش حاضر اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی مرتبط با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ج.ا.ایران از محتوای یکی از مهم‌ترین اسناد فرادستی نظام، یعنی قانون اساسی ایران، به‌عنوان یک نظام معرفتی و یک نقشه راه، استخراج و در قالب جداول زیر بیان می‌شود (خوش‌چهره و حبیبی، ۱۳۹۱: ۲۳۳).

جدول شماره ۱: اصول پایه‌ای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت موجود در قانون اساسی ج.ا.ایران

| مقوله | مستندات (اصول قانون اساسی) |
|---------------------|--|
| دین‌محوری حاکمیت | اصول ۱ و ۲ و ۵ و ۵۷ و ۱۱۰ و ۴ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۲ و ۱۳ و ۸۵ و ۹۱ و ۹۴ و ۱۱۰ و ۱۰۷ تا ۱۰۹ و ۱۱۱ تا ۱۱۴ |
| کرامت انسانی | اصول ۲ و ۱۴ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۱۵۴ و ۴۳ تا ۵۵ |
| امنیت | اصول ۲ و ۳ و ۹ و ۲۰ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۳۲ و ۴۰ و ۶۱ و ۹۰ و ۱۵۴ و ۱۷۶ و ۸۲ |
| عدالت | اصول ۱ و ۲ و ۳ و ۲۰ و ۲۷ و ۱۴ و ۱۵۴ |
| آزادی | اصول ۲۴ و ۲۷ و ۴۲ و ۹ و ۲ و ۳ و ۲۰ |
| رفاه | اصول ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۴۳ تا ۵۵ و ۱۰۰ تا ۱۰۶ |
| قضیه | اصول پایه‌ای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت جمهوری اسلامی ایران با توجه به مستندات قانون اساسی با دین‌محوری حاکمیت، کرامت انسانی، امنیت، عدالت، آزادی و رفاه رابطه دارد. |

(خوش‌چهره و حبیبی، ۱۳۹۱: ۲۳۴)

جدول شماره ۲: عناصر کلیدی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت موجود در قانون اساسی ج.ا.ایران

| مقوله | مستندات (اصول قانون اساسی) |
|------------------------------|---|
| علم محوری | اصول ۲ و ۳ |
| مردم سالاری دینی | اصول ۶ و ۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۲ و ۷۲ و ۱۰۷ و ۱۰۹ و ۱۱۱ و ۱۱۴ و ۱۰۰ تا ۱۰۶ |
| سرمایه | اصول ۸ و ۳ و ۱۰ و ۲۱ |
| وحدت | اصول ۲ و ۱۱ و ۹ و ۳ |
| هویت اسلامی - ایرانی | اصول ۱۴ و ۱۵ و ۱۹ و ۲۱ |
| تعامل سازنده روابط بین الملل | اصول ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۴۵ و ۱۴۶ و ۱۵۴ و ۱۱ |
| قضیه | عناصر کلیدی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت جمهوری اسلامی ایران با توجه به مستندات قانون اساسی با علم محوری، مردم سالاری دینی، سرمایه، وحدت، هویت اسلامی - ایرانی و تعامل سازنده روابط بین الملل رابطه دارد. |

(خوش چهره و حبیبی، ۱۳۹۱: ۲۳۵)

چیستی هویت، انواع و مؤلفه‌های آن

همواره پرسش از کیستی و هویت افراد، گروه‌ها و ملت‌ها و پرداختن به مسأله هویت امری همیشگی میان انسان‌ها در شکل فردی یا جمعی آن بوده و دغدغه اصلی بشر را تشکیل می‌دهد. هویت امری ذاتی و پیش ساخته نیست، بلکه یک سازه است؛ زیرا اولاً از جنس معناست و ثانیاً متضمن تقسیم و تخصیص موقعیت‌ها و منابع است (رهبری، ۱۳۸۸: ۱۵). هویت دو معنای اصلی دارد، اولین معنای آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق است و معنای دوم آن به مفهوم تمایز برمی‌گردد (جنکینز، ۱۳۸۱: ۵). هویت در اصطلاح به معنی مجموعه‌ای از شاخص‌ها و علائم در حوزه مؤلفه‌های مادی، زیستی، فرهنگی و روانی است که موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه یا اهلیتی از اهلیت دیگر و فرهنگی از فرهنگ دیگر می‌شود. هویت یعنی وجه اختصاصی هر فرد یا گروه و وجه اختصاصی‌ای که در من است و در هیچ انسان دیگر نیست (ابوالحسنی، ۱۳۸۷: ۲). هویت از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن و شناسانده شدن به چیزی یا جایی برمی‌آید. این حس تعلق، بنیادی ذاتی در وجود انسان دارد. برآورده شدن این نیاز،

«خودآگاهی فردی» را در انسان سبب می‌شود و ارضای حس تعلق میان یک گروه انسانی، خودآگاهی جمعی و مشترک یا هویت بومی یا ملی آن گروه انسانی را تعیین می‌کند. هویت اجتماعی که از رابطه فرد با اجتماع حاصل می‌شود، می‌تواند انواع گوناگونی را به لحاظ جایگاه و اهمیت دربرگیرد.

هویت جمعی یا اجتماعی می‌تواند به مراجع مختلف (مکان‌ها، سرزمین‌ها، طبقات، گروه‌های سنی، جنسی، معلولیت و...) منسوب و مربوط شود، اما یکی از مهم‌ترین انواع یا ارجاعات یا منابع هویت جمعی یا هویت اجتماعی، ملت است که موجب طرح مفهوم ملیت و هویت ملی می‌شود. دیوید میلر با تأکید بر عنصر باورهای مشترک برای شکل‌گیری هویت ملی، اصرار دارد که ایستارها و باورهایی که ملت را می‌سازند، اغلب در لایه‌های عمیق‌تر ذهنی پنهان هستند (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۳۶۰). براساس طبقه‌بندی سه‌گانه از هویت یعنی هویت شخصی، هویت اجتماعی و هویت ملی، عالی‌ترین سطح هویتی برای هر فرد بشری، هویت ملی است و معمولاً از ویژگی منحصر به فردی برخوردار است. این نوع رابطه هویتی که برخی آن را هویت محوری نیز نامیده‌اند، به لحاظ سلسله‌مراتبی برتر از سایر سطوح هویتی قرار می‌گیرد، زیرا در حوزه فرهنگ، اجتماع، سیاست و حتی اقتصاد، نقشی تعیین‌کننده دارد (حاجیانی، ۱۳۷۹: ۱۹۷). برای تمام ملت‌های جهان، هویت ملی از اهمیت خاصی برخوردار است. در واقع هویت ملی برای یک ملت، به منزله روح برای بدن است که فقدان آن به منزله مرگ خواهد بود. هویت ملی نوعی هویت اجتماعی در یک سطح خیلی گسترده به نام ملت است. هویت ملی هم عامل همبستگی و شکل‌گیری روح جمعی در یک ملت و هم وجه مشخصه و معرفه آن در میدان ملل دیگر است.

برویبکر معتقد است ملت‌گرایی یک جبر و نیرو نیست تا به یک عامل طغیان‌کننده یا پسرورنده در نظر گرفته شود. ملت‌گرایی مجموعه ناهمگنی از ملت، با زبان و لهجه‌های خاص، شیوه‌ها و احتمالات است که به‌طور دائم و پیوسته در دسترس قرار دارند یا در زندگی سیاسی و فرهنگی مدرن، بومی (مختص یک ملت) هستند (برویبکر، ۱۹۹۶: ۱۰). در باب عناصر سازنده هویت ملی، همان‌گونه که از تعریف هویت ملی برمی‌آید، این مفهوم دارای عناصر سازنده‌ای می‌باشد. از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به ارزش‌های ملی، دینی، جامعه‌ای و انسانی اشاره کرد (زهیری، ۱۳۸۱: ۲۰۱). می‌توانیم خصیصه‌های بنیادی هویت ملی را به صورتی که در ادامه آمده فهرست کنیم:

۱- دین
۲- یک قلمرو تاریخی یا وطن

- ۳- خاطره‌های تاریخی و اسطوره و افسانه‌های مشترک
 - ۴- یک فرهنگ ملی همگانی و غنی
 - ۵- حقوق قانونی مشترک برای همه اعضا
 - ۶- یک اقتصاد مشترک با تحرک و پویایی داخلی برای اعضا
- بنابراین ملت را می‌توان به‌عنوان جمعیت انسانی مشخصی که دارای قلمرو تاریخی، خاطرات تاریخی و افسانه‌های مشترک، یک فرهنگ ملی و غنی، یک اقتصاد مشترک با تحرک و پویایی داخلی برای اعضا هستند تعریف کرد (اسمیت، ۱۹۹۱: ۱۴).

یافته‌های پژوهش (الگوی هویتی مطلوب با رویکردی بر قانون اساسی ج.ا.ایران)

واژه هویت در سرتاسر قانون اساسی فقط یک‌بار در مقدمه این قانون ذکر شده است: «در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استعمار همه‌جانبه خارجی بودند، هویت اصلی و حقوق انسانی خود را بازمی‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تا کنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود» (منصور، قانون اساسی: مقدمه: ۲۱). ترکیب هویت اصلی با توجه به کلمه بازیابی بدین معناست که عوامل مختلف، هویتی عارضی را بر مردم ایران تحمیل کرده و یا مردم را از هویت اصلی‌شان دور ساخته و درصدد تخریب هویت ملی ایرانیان برآمده‌اند، اما ملت از طریق انقلاب دست به ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی زده است تا هویت اصلی خویش را بازیابد. این گزاره یادآور ادبیاتی است که بنیان‌گذار جمهوری اسلامی درباره خودیابی، تکیه بر اصالت‌های خویشتن اسلامی و شرقی و احیای هویت فرهنگی طرح نموده‌اند (رضایی و جوکار، ۱۳۸۸: ۶۵). از دهه آخر حکومت پهلوی به بعد تا پیروزی انقلاب اسلامی، با غلبه گفتمان هویتی تازه‌ای روبه‌رو هستیم که می‌توان آن را به اعتبار مختلف گفتمان خودیابی، بازسازی یا بازگشت به خویش یا اصلاح‌گرایانه نامید. در میان متفکران و روشنفکرانی که صورت نوعی این گفتمان را عرضه کرده‌اند، جلال آل‌احمد و علی شریعتی جایگاه برجسته‌ای دارند (کچویان، ۱۳۸۷: ۱۱۳). براساس دلایل تاریخی، هویت ایرانیان از چندین لایه تشکیل می‌شود. در دهه اخیر، از میان این لایه‌ها، همواره بر سه لایه مهم و برجسته تأکید بیشتری شده است که شامل لایه‌ای از فرهنگ و هویت اسلامی، لایه‌ای از فرهنگ و هویت ایرانی و لایه‌ای از فرهنگ و تمدن جهانی می‌شود. حال باید دید که نویسندگان قانون اساسی برای هویت ملی ایران چندلایه برشمرده‌اند.

با مطالعه مقدمه و اصول قانون اساسی می‌توان دریافت که در این قانون، هویت ملی تک‌لایه تلقی نشده است. در ادامه به بررسی اصل‌هایی از اصول قانون اساسی می‌پردازیم که به نوعی نشان‌دهنده سطوح و لایه‌های مختلف هویت ملی ایرانی هستند.

۱- لایه هویت اسلامی

یکی از مهم‌ترین و پُررنگ‌ترین لایه هویت ملی، لایه هویت اسلامی است که نمود آن در مقدمه و اصول قانون اساسی ج.ا.ایران به خوبی نمایان است. به عبارتی دیگر ضوابط و قوانین اسلامی مبتنی بر قرآن و سنت، پایه اصلی قانون اساسی و هم‌چنین هویت ایرانیان را تشکیل می‌دهد. بخش مهمی از برداشت ما درباره خود و دیگران، حاصل اعتقادات و باورهای دینی مان است. یکی از منابع شکل‌دهنده رفتارها و باورهای ما، آموزه‌های دینی هستند. هویت دینی، هنگامی معنادار است که براساس خودآگاهی صورت گرفته باشد (نصری، ۱۳۸۷: ۱۹). شهید مطهری دین را مهم‌ترین مؤلفه و بنیاد هویت ملی ایرانی معرفی می‌کند. از نظر وی برای یافتن مقوم اصلی ملیت و هویت ایرانی و ملی، باید بر عنصر مهمی چون دین و مذهب تکیه کرد (قربانی، ۱۳۸۳: ۸۰). در اصول اول تا پنجم، یازدهم، دوازدهم، نود و چهارم، صد و نهم و... بر این امر تأکید شده است، که در اینجا چند اصل مهم بیان می‌شود:

- «حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، براساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به آن رأی مثبت داد» (منصور، قانون اساسی: اصل اول: ۲۷).

- «جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به: خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر او، وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین، معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا، عدل خدا در خلقت و تشریح، امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی، کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا» (منصور، قانون اساسی: اصل دوم: ۲۷).

- «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم، تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلامی، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان و...» (منصور، قانون اساسی: اصل سوم: ۲۹). مطهری معتقد است مردم ایران بیش از هر ملت

دیگر به روح و معنی اسلام توجه داشتند. آن چیزی که بیش از هر چیز دیگر روح تشنه‌ی ایرانی را به سوی اسلام می‌کشید عدل و مساوات اسلامی بود (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۲۱).

- «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد» (منصور، قانون اساسی: اصل چهارم: ۳۱).

- «در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج) در جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر و امامت امت برعهده فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مُدبّر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد» (منصور، قانون اساسی: اصل پنجم: ۳۱). اصل یکصد و نهم و اصل یکصد و دهم نیز به ترتیب به شرایط و صفات رهبر و وظایف و اختیارات رهبر، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصول هویت اسلامی که منبعث از نظریه ولایت فقیه حضرت امام خمینی (ره) می‌باشد، می‌پردازد.

- «به حکم آیه کریمه (ان هذه امتکم امة واحد و انا ربکم فاعبدون) همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران مؤظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد» (منصور، قانون اساسی: اصل یازدهم: ۳۴).

- «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری است و این اصل الی‌الابد غیرقابل تغییر است» (منصور، قانون اساسی: اصل دوازدهم: ۳۴). دین اسلام توسط نویسندگان مختلف به‌عنوان پایه مهمی از هویت ملی ایران تلقی می‌شود. وجود احساسات مذهبی و ترکیب تقریباً نود و هشت درصدی مسلمانان ایران و تحولاتی که این دین در طول تاریخ ایران به وجود آورده، مؤید این ادعاست که اسلام یکی از ارکان مهم هویت ملی ایران می‌باشد (زاهد، ۱۳۸۴: ۱۳۳).

با توجه و بررسی اصول بالا می‌توان فهمید که قانون‌گذاران بر اصول و مفاهیمی تأکید می‌کردند که مبتنی بر اسلام و ارزش‌های اسلامی بود که به نوعی هویت اسلامی ایرانیان را شکل می‌داد. برای مثال دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری اعلام شده است و بر توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم تأکید کرده است. جمهوری اسلامی مؤظف است با الهام از تعالیم اخلاق اسلامی با سایر ادیان رفتار نماید. بدین معنی که حکومت بر مبنای احکام اسلامی اداره می‌گردد و ایدئولوژی و معیار سنجش امور، ضوابط اسلامی است. در این راستا مشروعیت نظام و حکومت در شکل‌گیری و تطابق مقررات آن با موازین اسلامی است و هم‌چنین «ولایت فقیه» که برآمده از ولایت رسول‌الله و امامان معصوم (ع) است، در قانون اساسی مطهری برای هویت اسلامی ایران تلقی می‌گردد. محتوای نظام جمهوری اسلامی ایران بر اصول

فکری و عقیدتی اسلام استوار گردیده است، به نحوی که صراحتاً در اصول قانون اساسی بر آن تأکید شده است. جمهوری اسلامی ایران به لحاظ محتوای اسلامی خود مسلمانان را اُمت واحده می‌داند. در اسلام مهم‌ترین معیار برای همبستگی، اعتقادات دینی است، لذا مرزهای جغرافیایی، جداکننده مسلمانان از یکدیگر نخواهد بود. چنین وجه اشتراکی اقتضاء دارد که در مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، وحدت و تشریک مساعی وجود داشته باشد که بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی و تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان و مبارزه با نفوذ استعمار، اجانب، استبداد و خودکامگی توسط دولت‌ها صورت می‌گیرد.

در مقدمه قانون اساسی نیز عبارات و مفاهیمی مانند: «اصول و ضوابط اسلامی، مکتبی و اسلامی بودن، خط فکری اسلامی و رهبری روحانیت مبارز، ضرورت پی‌گیری خط نهضت اصیل مکتبی و اسلامی، طرح حکومت اسلامی بر پایه ولایت فقیه، ایجاد نظام نوین جمهوری اسلامی، حکومت اسلامی خواست دیرینه مردم مسلمان، جهان‌بینی اصیل اسلامی، موازین اسلامی جامعه نمونه (أسوه)، محتوای اسلامی انقلاب ایران، مدار قرآن و سنت، تشکیل امت واحده جهانی و برنامه اقتصاد اسلامی» وجود دارد که می‌توان از آنها، لایه هویت اسلامی ایران را استنباط کرد.

اسلام مهم‌ترین ستون فرهنگ ملی ایران است. امروزه، ملت ایران به این واقعیت افتخار می‌کند که پس از گذشت چهارده قرن، فرهنگ، زبان و آداب و رسوم ایرانیان با اسلام آمیخته است. فرهنگ، آداب و رسوم و اعمال اسلامی، بخشی از فرهنگ ایرانیان است و با توجه به این نکته، ملی بودن معادل و همپایه اسلامی بودن است، و این دو جنبه هرگز رو به روی یکدیگر قرار نمی‌گیرند (هالیدی، ۲۰۰۷: ۳۴).

۲- لایه هویت ایرانی

۲-۱- **آمیختگی دو فرهنگ اسلام و ایران:** اکثریت مردم ایران از زمان صفویه به بعد شیعه شدند. حقیقت این است که علت تشیع ایرانیان و علت مسلمان شدنشان یک چیز است. ایرانی روح خود را با اسلام سازگار دید و گم‌گشته خود را در اسلام یافت (مطهری، ۱۳۶۸: ۹۳). در واقع همان‌گونه که از دیدگاه مطهری (ره) برمی‌آید، دو لایه مهم هویت ایرانی عبارتند از: ایرانی بودن، و علاقه و سرسپردگی ایرانیان به اسلام؛ به عبارت دیگر ایران و اسلام دو روی یک سکه‌اند. نزدیکی فرهنگ ایران و اسلام تا بدان‌جا است که امام صادق (ع) برخی از مراسم ایرانی از جمله نوروز را تأیید فرمودند (رضایی و

جوکار، ۱۳۸۸: ۶۸). در اصل شانزدهم قانون اساسی بر آمیختگی دو فرهنگ اسلام و ایران به صراحت تأکید شده است:

«از آنجا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است این زبان باید پس از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در همه کلاس‌ها و در همه رشته‌ها تدریس شود» (منصور، قانون اساسی: اصل شانزدهم: ۳۶).

۲-۲- زبان، خط فارسی و پذیرش زبان‌های محلی: زبان به‌عنوان نیروی انسجام دهنده، نقش ویژه‌ای در بسترسازی، تکوین و بالندگی فرهنگی و تحقق هویت قومی و ملی دارد، اما موفقیت زبان در حصول به این مقصود بستگی به جوهره خلاقیت و آفرینندگی فرهنگ و در عین حال سیالیت، پویایی و سازگاری و هماهنگی عناصر تشکیل‌دهنده آن دارد. زبان برای این که قوام‌بخش و دوام‌بخش هویت ملی باشد، باید گذشته از اتصاف به جوهره فرهنگ‌ساز، به‌صورت استاندارد، پویا و درخور توسعه نیز باشد (هرمیداس‌باوند، ۱۳۸۴: ۲۷). قانون‌گذار در اصل پانزدهم قانون اساسی، زبان فارسی را زبان مشترک ایرانیان می‌خواند. مفهوم این سخن، چنین است که همه ایرانیان از هر طایفه، قوم، دین و مذهب که باشند در شکل‌گیری زبان فارسی سهم داشته‌اند؛ به بیان دیگر این زبان محصول فرهنگی همه ایرانیان است و تعلق به هیچ گروه و جمعیت خاصی ندارد (رضایی و جوکار، ۱۳۸۸: ۷۲).

«زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است» (منصور، قانون اساسی: اصل پانزدهم: ۳۶). قانون‌گذار زبان و خط فارسی را به‌عنوان یک عنصر اصلی تمایزبخش، از مؤلفه‌های هویت ملی می‌داند که متعلق به همه ایرانیان است. زبان فارسی دومین زبان اسلام، حامل فرهنگ و معارف اسلامی ایرانیان در طول تاریخ و زمینه‌سازی امین برای تعالیم مقدس اسلام و تشیع بوده و هست. زبان پارسی برخلاف آنچه گاهی گفته می‌شود، زبان یک قوم نیست.

۲-۳- تاریخ ایران: تاریخ یکی از عمده‌ترین عناصر سازنده هویت ملی ایران است، چرا که بیانگر آغازین دوران‌های شکل‌گیری روح جمعی و دیرینه بودن هویت ملی ایران است (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۸۳). تاریخ، آینه احساسات و فرهنگ افراد یک کشور است و شناخت آن، بنیان استواری برای وحدت ملی فراهم می‌آورد. آگاهی از زوایای مختلف شکل‌گیری تاریخ کشور برای آیندگان ضرورت دارد، زیرا گذشته مشترک و

حافظه مشترک تاریخی در بطن خود آرزوها، غم‌ها، شادی‌ها، پیروزی‌ها، شکست‌ها و یادهای مشترک فراوانی را نهفته است که از گران‌سنگ‌ترین رشته‌های پیوند افراد یک ملت به شمار می‌رود. براساس اصل هفدهم قانون اساسی، هجرت پیامبر اسلام را مبدأ تاریخ رسمی کشور اعلام کرده است، لیکن براساس دو تقویم ایرانی و غیرایرانی (اسلامی)، تاریخ‌های هجری شمسی و هجری قمری را معتبر می‌شناسد. البته گزینش این منظومه تاریخی توسط قانون اساسی به معنای نفی تاریخ گذشته ایران نیست؛ بلکه به مفهوم تأکید بر حیات مجدد ملت ایران بر مبنای باورهای اسلامی و ترسیم آینده‌ای دین‌محورانه می‌باشد (رضایی و جوکار، ۱۳۸۸: ۷۳).

- «مبدأ تاریخ رسمی کشور، هجرت پیامبر اسلام (ص) است و تاریخ هجری شمسی و هجری قمری هر دو معتبر است، اما مبنای کار ادارات دولتی هجری شمسی است. تعطیل رسمی هفتگی روز جمعه است» (منصور، قانون اساسی: اصل هفدهم: ۳۷).

۲-۴- سرزمین ایران: جغرافیا و سرزمین یکی دیگر از بنیادهای مهم هویت ملی ایرانی می‌باشد. همه ایرانیان از دوران باستان تاکنون در فلات ایران زندگی کرده‌اند و مرزهای جغرافیایی این فلات هویت‌بخش مکان و بوم‌زیست آنان می‌باشد. آنان در این مکان خود را یافته‌اند و طی قرن‌ها با نوسانات زیست محیطی آن خود را تطبیق داده‌اند. نه تنها در ایران بلکه در بین همه ملت‌ها سرزمین مشترک در جغرافیای سیاسی امروز و تشکیل واحدهای مستقل سیاسی به اندازه‌ای اهمیت یافته است که بررسی هویت ملی بدون در نظر گرفتن آن مطالعه‌ای ناقص خواهد بود (زاهد، ۱۳۸۴: ۱۳۳). هیچ جمعیتی بدون داشتن سرزمینی خاص، به عنوان یک «ملت» شناخته نمی‌شوند. سرزمین یکی از عناصر تشکیل‌دهنده «دولت» است. موضوع تمامیت ارضی و یکپارچگی سرزمین ایران در اصول متعدد قانون اساسی، از جمله اصول نهم، هفتاد و هشتم، یکصد و یکصد و پنجاه و دوم و یکصد و هفتاد و ششم مطرح گردیده و حفظ آن وظیفه دولت و آحاد ملت شناخته شده است.

- «هرگونه تغییر در خطوط مرزی ممنوع است مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور به شرط این‌که یک‌طرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزنند» (منصور، قانون اساسی: اصل هفتاد و هشتم: ۶۲).

- «در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است و...» (منصور، قانون اساسی: اصل هفتاد و هشتم: ۶۲).

۲-۵- پرچم ملی ایران: پرچم ملی نماد حاکمیت، متضمن ارزش‌های نهادین استقلال و تشخیص آن در جامعه بین‌الملل است و حیات و پویایی یک ملت را ترسیم می‌نماید. درفش کاویانی قدیمی‌ترین پرچم ایران ذکر شده است (رضایی و جوکار، ۱۳۸۸: ۷۴).
- «پرچم رسمی ایران به رنگ‌های سبز و سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار الله اکبر است» (منصور، قانون اساسی: اصل هیجدهم: ۳۷).

۲-۶- میراث فرهنگی ایران: یکی دیگر از عناصر سازنده هویت ملی ایران، میراث فرهنگی ایران می‌باشد. سرزمین، تاریخ، اندیشه دولت آرمانی در آداب و رسوم، سنت‌ها و آیین‌ها و آثار نثر و نظم بسیار متعددی ثبت شده است که می‌توان از آن به مثابه میراث فرهنگی ایران نام برد. میراث فرهنگی ایران، خود از سه رکن آئین‌ها و رسوم (نوروز، شب یلدا، جشن‌های سده و مهرگان)، زبان ملی و دین تشکیل شده است. میراث فرهنگی هم‌چنین کتاب‌ها، مکان‌ها، ابنیه و آثار برجسته‌ای است که درباره تاریخ، گستره سرزمینی، آئین‌ها و سنت‌ها و اندیشه‌های دینی - فلسفی و سیاسی ایران به رشته تحریر درآمده است (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۸۹). در قانون اساسی نیز اصلی در این باره وجود دارد: «بناها و اموال دولتی که از نفایس ملی می‌باشد قابل انتقال به غیر نیست، مگر با تصویب مجلس شورای اسلامی، آن هم در صورتی که از نفایس منحصر به فرد نباشد» (منصور، قانون اساسی: اصل هشتاد و سوم: ۶۳).

۳- لایه هویت مدرن

در میان اکثر محققان و نویسندگان ایرانی که به موضوع هویت در ایران توجه داشته‌اند، اشارات مستقیم و مؤکد (یا غیرمستقیم) به نقش و تأثیر غرب، غربی شدن، تجدد، جهانی شدن یا جهانی کردن و مدرنیته در هویت ایرانی وجود داشته و عمدتاً پذیرفته‌اند که فرهنگ و هویت ایرانی در جریان تعاملات تاریخی ایران با کشورهای اروپایی تحت تأثیر قرار گرفته و لایه یا بُعدی جدید به آن افزوده شده است. در واقع، هویت غربی یا متجددانه ابتدا در نقش دگر هویت سنتی قرار داشت، اما به تدریج و با ورود، تثبیت، جذب و هضم در هویت ایرانی، خود جزیی از هویت ایرانی شد (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۳۰۳). جامعه ایران در آغاز قرن دوازدهم با کلیت نظام سیاسی و ایدئولوژی غرب مواجه شد و از آن تأثیر پذیرفت، که رویارویی ایرانیان با تمدن و فرهنگ غربی سبب شد که سومین لایه هویت ایرانی شکل گیرد. آنچه از نظام آموزشی نوین، شهرسازی، شیوه معماری، نظام اداری، شکل و قالب اداره امور کشور، قانون‌نویسی، دستگاه قضایی

جدید، شکل حکومت، پارلمان، اصل تفکیک قوا و دهها نمونه دیگر داریم، از مظاهر تجدد به شمار می‌رود و تدوین‌کننده قانون اساسی نیز این واقعیت را پذیرفته است. بی‌گمان قیام مردم ایران نه بر ضد تمدن و تجدد، بلکه علیه استثمار، فحشا، عقب‌نگه داشته شدن و تحقیری بود که هدف و لازمه سیاست‌های آمریکا در ایران تلقی می‌شد. بهره‌گیری از تجارب پیشرفته دنیای جدید و علوم و فنون نوین از راهبردهای مهم در نظام جمهوری اسلامی می‌باشد (رضایی و جوکار، ۱۳۸۸: ۷۰). در متن زیر برخی از اصول قانون اساسی مبتنی بر هویت متجددانه و جهانی را بیان خواهیم کرد:

- «استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها» (منصور، قانون اساسی: اصل دوم: ۲۸).

- «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسائل دیگر و همچنین تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی» (منصور، قانون اساسی: اصل سوم: ۲۹).

- «استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور» (منصور، قانون اساسی: بند ۷ اصل چهل و سوم: ۴۷).

هویت اسلامی تا جایی که منطق هویتی آن اجازه دهد، بر روی تغییرات و جذب هویت‌های غیر باز است. این هویت نه تنها امکان جذب ویژگی‌های تجدد را بازمی‌گذارد، بلکه به تقابل با هویت‌های قومی نیز نمی‌رسد. به علاوه، در عصر پیدایش واحدهای فراملی امکان این را نیز فراهم می‌سازد که ایرانیان به پیوندهای مستحکم و گرمی با دیگر مردمان در قلمرو تمدنی خود، یعنی جهان اسلام و همسایگان خویش دست یابند. اما فراتر از اینها اسلام به اعتبار اینکه هویت انسانی و نه قومی یا ملی است، امکانی برای یک جهان جهانی شده بوده و ما را به آینده تاریخ می‌کشاند (کچویان، ۱۳۸۷: ۲۷۹). می‌توان شمای کلی اصول مبتنی بر هویت اسلامی - ایرانی - متجددانه موجود در قانون اساسی ج.ا.ایران را در جدول زیر مشاهده نمود.

جدول شماره ۳: هویت مطلوب در قانون اساسی ج.ا.ایران

| مقوله | مستندات (اصول قانون اساسی) |
|------------------|---|
| لایه هویت اسلامی | مقدمه و اصول ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۱۱ و ۱۲ و ۹۴ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ... |
| لایه هویت ایرانی | اصول ۹ و ۱۵ و ۱۷ و ۱۸ و ۷۸ و ۸۳ و ۱۰۰ و ۱۵۲ و ۱۷۶ |
| لایه هویت مدرن | اصول ۲ و ۳ و ۴۷ |

۱۰- الگوی هویتی مطلوب در بستر الگوی بومی پیشرفت از دیدگاه مقام معظم

رهبری

در این قسمت پایانی مقاله، بحث را با نظرات مقام معظم رهبری درباره پیشرفت و هویت ملی جمع‌بندی می‌کنیم. ایشان معتقدند ملت‌ها بر اثر انقطاع از دین و از معنویت و از خدا، پوک می‌شوند؛ هویت خودشان را از دست می‌دهند؛ دچار سرگردانی و حیرت می‌شوند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۳/۳). هر مجموعه انسانی به یک هویت جمعی احتیاج دارد و باید احساس اجتماع و بستگی و هویت جمعی کند. ملیت چیست؟ یک هویت جمعی است که با برخورداری از آن، هر کشور می‌تواند از همه امکانات خود برای پیشرفت و موفقیت استفاده کند. هویت جمعی و ملی ملت ایران، نظام اسلامی است که حتی از ملیت ایرانی، کارایی و جذابیت بیشتر و حوزه تأثیر وسیع‌تری دارد. اهمیت این هویت جمعی به این است که هم در مقیاس ایرانی دارای بازده و تأثیر است، هم در مقیاس اسلامی چنین تأثیری دارد و هم در مقیاس جهانی مؤثر است؛ یعنی چیزی که دیگر ملیت‌ها هیچ‌کدام اینها را ندارند؛ یک چیز فراملی است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۸/۱۲). ملت ایران احساس هویت می‌کند؛ هویت اسلامی که هویت ایرانی هم نشأت گرفته از همین هویت اسلامی است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۲/۱۶). به نظر مقام معظم رهبری، تعارض میان توسعه و ارزش‌های انقلابی و اسلامی - ایرانی مردود است و حفظ ارزش‌ها و آرمان‌ها برای ملت ما یک اصل مبنایی است و هدف و انگیزه حضور ما در صحنه کشور نیز همین است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۲/۲۴). یک کشور اگر بخواهد عزت خود را، هویت خود را، منافع خود را، امنیت خود را به دست بیاورد، احتیاج دارد به کار و ابتکار؛ با نشستن، با خوابیدن، با غفلت از اطراف، نمی‌شود به اهداف عالی دست پیدا کرد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱۱/۱۹). این نوآوری‌ها، این پیشرفت‌های علمی، این جسارت وارد شدن در عرصه‌های نو علمی و تحقیقی، که امروز در کشور ما خوشبختانه مشاهده می‌شود، به خاطر همین اعتماد به نفسی است که از احیاء هویت ملی پیدا شده است؛ این را انقلاب به وجود آورد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۲/۲۸). آنچه مهم است، حفظ هویت جمعی یک ملت یا یک مجموعه انسانی است، زیر هر نامی. هویت اسلامی - ایرانی مردم ما و ملت ما، به برکت انقلاب اسلامی، به برکت حضور مردم در صحنه و دخالت و شراکت مردم در مسائل اساسی نظام، یک واقعیت جاافتاده است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۷/۲۵). به زعم نویسندگان، حفظ هویت اسلامی - ایرانی نیازمند

- اقدامات و راهکارهایی است که به بعضی از آنها در اینجا اشاره می‌شود:
- ۱- تقویت محتوای دروس مدارس براساس آموزه‌های اسلامی و ایرانی در راستای تقویت هویت ملی.
 - ۲- انجام کارهای بزرگ علمی و تحقیقاتی، اقتصادی و ورزشی در جهت تقویت شخصیت و هویت ملی.
 - ۳- یادآوری و حفظ خاطرات دوران باشکوه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
 - ۴- استفاده از معماری اسلامی - ایرانی در تعیین ابعاد کالبدی شهرها.
 - ۵- تقویت استقلال سیاسی، اقتصادی، علمی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی و ...
 - ۶- تقویت و گسترش زبان فارسی در سطح کل جامعه به‌عنوان زبان ملی در جهت ایجاد همبستگی ملی.
 - ۷- ایجاد تعاملات فرهنگی گسترده با کشورهای اسلامی منطقه در جهت گسترش ایده ایران فرهنگی.
 - ۸- توجه ویژه به میراث فرهنگی و تاریخی کشور و احیاء و معرفی آنها.

شکل شماره ۲: الزامات و راهکارهای الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی



(بی‌نام، ۱۳۹۰: www.khamenei.ir)

نتیجه‌گیری

اتخاذ رویکردها و الگوهای توسعه متنوع در ایران و عدم کارایی همه‌جانبه آنها، تدوین الگوی بومی پیشرفت برای ایران را ضروری ساخت. ویژگی‌هایی چون بی‌عدالتی، رواج بی‌بندوباری، وضعیت نابسامان زنان و مردان، انسان‌گرایی صرف و توجه به ابعاد مادی انسان، رفاه‌زدگی و تجمل‌گرایی و دوری از معنویات به‌عنوان آسیب‌های جدی الگوهای غربی توسعه بودند که زمینه را برای طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت مهیا کردند. این الگو برای اجرایی شدن به یک سلسله الزاماتی در عرصه‌های گوناگون وابسته است که در آن میان، الزامات فرهنگی و به‌ویژه هویتی برای پیاده‌سازی این الگو از اهمیت برخوردار هستند. در باب الگوهای بدیل پیشرفت کنکاش‌های علمی بسیاری صورت گرفته است، اما یکی از حوزه‌های مغفول، حوزه ارتباط وثیق هویت با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت می‌باشد. در پژوهش حاضر بر آن بودیم تا با بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک سند مادر و نقشه راه، به یک الگوی هویتی مطلوب در بستر الگوی بومی پیشرفت با رویکردی بر قانون اساسی دست یابیم. نتایج پژوهش حاکی از این است که الگوی هویتی مطلوب در قانون اساسی، یک هویت تثلیثی یا سه‌گانه است که شامل ترکیبی از سه بُعد هویت اسلامی (با مؤلفه‌هایی چون ضوابط و اصول اسلامی یعنی قرآن و سنت، توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین مردم توسط دولت، دین اسلام و مذهب شیعه، توجه به امت اسلامی، اعتقاد به ولایت فقیه) هویت ایرانی (با مؤلفه‌هایی چون آمیختگی اسلام و ایران، زبان مشترک، خط مشترک، پذیرش فرهنگ‌ها و زبان‌های محلی، پرچم کشور، معتبر شناختن تاریخ هجری شمسی، توجه به میراث فرهنگی و نفایس ملی ایران به‌عنوان دارایی‌های معنوی ملت، سرزمین مشترک) و هویت متجددانه و جهانی (با مؤلفه‌هایی چون استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری، تربیت افراد ماهر برای رسیدن به توسعه و پیشرفت، تقویت روح بررسی، تتبع و ابتکار) می‌باشد که می‌تواند مسیر پیشرفت و تعالی مطلوب مادی و معنوی را در بستر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت تسریع کند. هم‌چنین در پایان، نظرات مقام معظم رهبری در ارتباط با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و ضرورت حفظ و احیاء هویت ملی (اسلامی و ایرانی) در مقابل فرهنگ بیگانه، و عدم وابستگی به غرب بیان شد.

منابع

- ابوالحسنی، سیدرحیم (۱۳۸۷): «مؤلفه‌های هویت ملی با رویکردی پژوهشی»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۳۸، ش ۴، صص ۱-۲۲.
- احمدی، حمید (۱۳۹۰): *بنیادهای هویت ملی ایرانی*، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۸۹/۹/۱۰): *در دیدار اولین نشست اندیشه‌های راهبردی*.
- ----- (۱۳۸۰/۸/۱۲): *در دیدار جوانان استان اصفهان*.
- ----- (۱۳۸۷/۲/۱۶): *در دیدار مردم کازرون*.
- ----- (۱۳۸۵/۸/۱۸): *در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان*.
- ----- (۱۳۹۰/۱۱/۱۹): *در دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش*.
- ----- (۱۳۷۵/۲/۲۴): *در دیدار رئیس و معاونین سازمان برنامه و بودجه*.
- ----- (۱۳۸۶/۲/۲۵): *در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد*.
- ----- (۱۳۹۰/۷/۲۵): *در اجتماع مردم پاوه*.
- ----- (۱۳۸۸/۲/۲۷): *در جمع دانشجویان دانشگاه کردستان*.
- ----- (۱۳۸۳/۲/۲۸): *پس از بازدید از سازمان صداوسیما*.
- ----- (۱۳۹۱/۳/۳): *در دانشگاه امام حسین علیه‌السلام*.
- بی‌نام (۱۳۹۰): «تحلیل کلی سابقه مباحث رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره پیشرفت اسلامی - ایرانی»، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، قابل دسترسی در: www.khamenei.ir
- بی‌نام (۱۳۹۱): *چیستی و مفهوم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و نقشه راه و فرآیند طراحی، تدوین، تصویب و پایش الگو*، تهران، مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، تهیه شده در معاونت هماهنگی و نظارت فرآیندی.
- جعفرپور، محمود (۱۳۹۰): *درآمدی بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱): *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹): «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۲، ش ۵، صص ۱۹۳-۲۲۸.
- ----- (۱۳۸۸): *جامعه‌شناسی هویت ایرانی*، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- خوش‌چهره، محمد و نیک‌بخش حبیبی (۱۳۹۱): «اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از منظر اسناد فرادستی نظام ج.ا.ایران»، *فصلنامه راهبرد*، س ۲۱، ش ۶۲، صص ۲۱۹-۲۴۴.
- درخشه، جلال (۱۳۹۲): «الزامات سیاسی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، *دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، اردیبهشت ۱۳۹۲، ص ۱.
- رضایی، سیدمحمد و محمدصادق جوکار (۱۳۸۸): «بازشناسی هویت ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۰، ش ۴، صص ۵۳-۸۸.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۵): *آناتومی جامعه*، تهران: شرکت سهامی انتظار.
- رهبری، مهدی (۱۳۸۸): *معرفت و قدرت، معماری هویت*، تهران: کویر.
- زاهد، سعید (۱۳۸۴): «هویت ملی ایرانیان»، *راهبرد یاس*، س ۱، ش ۴، صص ۱۲۹-۱۳۸.

- زهیری، علی‌رضا (۱۳۸۱): *انقلاب اسلامی و هویت ملی*، قم: انجمن معارف اسلامی ایران.
- سیف‌الدین، امیرعلی (۱۳۸۸): «الگوی اسلامی - ایرانی توسعه به تمدن بین‌المللی اسلامی منجر می‌شود»، *نشریه برنامه*، آبان ۱۳۸۸، ش ۳۴۰، صص ۴-۸.
- شبان‌نیا، قاسم (۱۳۸۹): «رابطه عدالت و پیشرفت در دولت دینی از منظر علامه محمدتقی مصباح یزدی»، *فصلنامه معرفت سیاسی*، س ۲، ش ۱، صص ۲۶-۵.
- صنم‌زاده، محمودرضا (۱۳۹۲): «تمدن اسلامی ایرانی در بستر الگوی بومی پیشرفت: بایسته‌های احیاء و عملیاتی‌سازی»، *دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، اردیبهشت ۱۳۹۲، صص ۱-۲۱.
- عزتی، مرتضی (۱۳۷۵): «رابطه فرهنگ و توسعه از دیدگاه امام خمینی (ره)»، *نامه پژوهش*، تابستان ۱۳۷۵، س ۱، پیش شماره ۱، صص ۹-۳۴.
- علی‌احمدی، علیرضا (۱۳۹۰): *پیش طرح‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، تهران: تولید دانش.
- عیوضی، محمدرحیم و محمدجواد هراتی (۱۳۸۹): «توسعه و هویت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، س ۷، ش ۲۱، صص ۱۱-۲۸.
- قربانی، قدرت‌الله (۱۳۸۳): «هویت ملی از دیدگاه استاد مطهری»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۵، ش ۲، صص ۶۳-۸۶.
- قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۲): «بایسته‌های فرهنگی پیشرفت: بررسی الزامات فرهنگی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، *دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، اردیبهشت ۱۳۹۲، صص ۱-۱۷.
- کچویان، حسین (۱۳۸۷): *تطورات گفتمان‌های هویتی ایران*، تهران: نی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸): *خدمات متقابل اسلام و ایران*، تهران: صدرا.
- منصور، جهانگیر (۱۳۸۵): *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دوران.
- موحدی، مسعود (۱۳۹۰): *تعیین ویژگی‌های فرهنگ اسلامی - ایرانی*، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۰): «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت محصول اسلامی سازی علوم انسانی»، در مجموعه مقالات *الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، ج ۱، تهران: پیام عدالت.
- نصری، قدیر (۱۳۸۷): *میانی هویت ایرانی*، تهران: تمدن ایرانی.
- نظریبور، محمدتقی (۱۳۷۸): *ارزش‌ها و توسعه*، تهران: پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نویخت، محمدباقر و سعید غلامی نتاج و زهرا میراحسنی (۱۳۹۰): «کارکردهای الگوی توسعه»، *فصلنامه راهبرد*، س ۲۰، ش ۶۱، صص ۲۱۳-۲۳۱.
- هرمیداس‌باوند، داود (۱۳۸۴): «زبان و هویت ملی»، در مجموعه مقالات *زبان و هویت*، به اهتمام حسین گودرزی، تهران: تمدن ایرانی.
- هزاوه‌ای، مرتضی (۱۳۸۵): «تأثیرپذیری سیاست‌های توسعه در ایران از الگوهای مسلط غربی»، *دوفصلنامه دانش سیاسی*، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، س ۲، ش ۴، صص ۱۶۵-۲۰۰.
- Brubaker, R. (1996); *Nationalism Reframed: Nationhood and the National Question in the New Europe*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Holliday, Shabnam (2007); "The Politicisation of Culture and the Contestation of Iranian National Identity in Khatami's Iran", *Studies in Ethnicity and Nationalism*, Vol. 7, No. 1, PP 27-45.
- Smith, Anthony.D (1991); *National Identity*, London: Penguin books.

